



گفتگو: میرزا یمین مسینفانی

در گفتگوی غیر حضوری با علامه مصباح یزدی

خطر منافقین

اشاره

سخن گفتن از نفاق و منافقین به همان اندازه سخت و دشوار است، که شناسایی و مقابله با آن، مشکل می‌نماید. در این میان شاید کمتر کسی را بتوان از عالمان و اندیشمندان جامعه، همچون آیت الله مصباح یافت که در لحظه لحظه مبارزه خستگی‌ناپذیر ۵۰ ساله خود، علیه تجر و طاغوت و جهل، همواره پنهانی‌ترین و مخفیانه‌ترین لایه‌های نفاق را، از پس چهره‌های هزار رنگ، به خوبی بازشناسد و هشدار و فریاد بیدارگرانه خود را - حتی با شنیدن جان شکارترین طعنه و نیش‌ها از سوی نزدیکترین یاران و نزدیکان - در جامعه طنین اندازد. سزاست تا در بحث این شماره، پای سخنان ارزشمند استاد بنشینیم و گزیده‌ای از آن چه را که درباره نفاق گفته شده و در گفت‌وگویی غیر حضوری تنظیم شده است، بنگریم.



پویا: استاد! در تحلیلی که از تاریخ نفاق از صدر اسلام تاکنون می‌شود، عموماً در عرصه سیاست برای دو جریان حق و باطل جامعه دو اصطلاح «حسینی» و «یزیدی» به کار گرفته می‌شود. به نظر تان چگونه می‌توان این دو واژه را با حوادث جامعه در عصر کنونی تطبیق داد؟

آیت الله مصباح: حوادث تاریخی، هر روز به شکلی تکرار می‌شود. ما امروز در صحنه‌ای هستیم که در یک طرف آن حسین (ع) و در طرف دیگر یزید قرار گرفته است. این مطلب عجیبی نیست و همواره حق و باطل یعنی کسانی که می‌خواهند دین بماند و کسانی که قصد براندازی دین را دارند، در مقابل هم هستند. مگر براندازی دین چیست؟ مگر نگفتند: «آزادی با اسلام نمی‌سازد»؟ آیا به زبان

مردم را به بازی گرفته‌اند.»
 اگر امروز، احکام ۱۴۰۰ سال
 پیش، کاربرد نداشته و تاریخ
 مصرف آن گذشته است، یعنی
 باید - العیاذ بالله - آنها را به
 مزبله ریخت. مگر با داروها و
 مواد غذایی که تاریخ مصرف
 آنها گذشته است، چه می‌کنند؟
 امروز عده‌ای می‌گویند: «تاریخ
 مصرف احکام اسلام گذشته
 است.»

◎ عده‌ای منافق، در مقابل دین،
 گوساله سامری می‌سازند. آنها ملیت،
 نیاکان، تخت جمشید و... را زنده کرده
 و در برابر مقدسات، علم می‌کنند. به
 راستی آیا ما انقلاب کردیم تا تخت
 جمشید زنده شود؟ آیا حرکت امام،
 برای احیاء چهارشنبه سوری بود؟

پویا: عموماً دیده می‌شود

برای نشان دادن وضع حال، از تاریخ و نقل
 وقایع گذشته استفاده می‌کنند. حضرت عالی
 هم در طلعه سخن از این گوشه‌های تاریخی
 بهره گرفتید. فکر می‌کنید نقل این مصادیق و
 داستان‌ها، کاربرد امروزی داشته باشند؟

آیت الله مصباح: تاریخ و داستان‌هایش
 برای این است که ما درس بگیریم. درست
 است که در گذشته‌های دور، بنی‌امیه چنین
 بلاهایی را بر سر مسلمانان آوردند، اما امروز
 نه ما از بنی‌امیه هستیم و نه حاکمان ما
 بنی‌امیه هستند! اما آیا امروز از جنگ کربلا
 خبری نیست؟ معصومی که فرمود: «کل یوم
 عاشورا و کل ارض کربلا»، بدون دلیل این
 سخن را نگفت، زیرا جریانات تاریخی،
 در هر زمان تکرار می‌شود. البته، روش‌ها،
 تاکتیک‌ها و شعارها تغییر می‌کند، اما جنگ
 حق و باطل همیشه برپا خواهد بود. همیشه
 منافقانی هستند که به نام طرفداری از اسلام،
 قصد ریشه‌کن کردن آن را دارند. روزی
 به نام «انقلابی»، روزی به نام «مجاهد» و
 روزی دیگر با اسم و عنوان دیگر.

پویا: با این وصف که می‌فرمایید، به
 نظرتان چه عناصر و شرایطی، محیط را برای
 ظهور و بروز این دسته، مساعد و مناسب
 می‌کنند؟

آیت الله مصباح: اکثریتی که اسلام را
 به نابودی می‌کشاند، عامه ضعیف‌الایمانی
 هستند که همراه با یک باد آمده و با باد
 دیگری می‌روند. این گروه هستند که مغزهای
 متفکری چون ابوسفیان می‌توانستند برای
 آنها نقشه کشیده و زمینه بی‌دینی ایشان را
 فراهم نمایند، به گونه‌ای که صریحاً احکام
 اسلام را تحریف کرده و هیچ کس به آنها
 اعتراض نکند. همین اکثریتی که با شخص
 معروف به شرابخواری و کارهای ناپسند،
 به عنوان جانشین پیغمبر (ص) بیعت کردند.
 این مسلمان‌ها، با چنین کسی بیعت کرده و
 به او رأی دادند.

نیابردند که مشکل ما برای احیاء دموکراسی،
 اسلام است که به زودی حل خواهد شد؟
 این سخنان یعنی چه؟ آیا حتماً باید نام
 فردی که چنین سخنانی را می‌گوید، یزید
 باشد؟ متأسفانه کسانی که از ایشان انتظار
 نمی‌رفت نیز، از چنین افرادی حمایت
 می‌کنند. اگر کسانی نقاب بر چهره زده‌اند،
 ما باید با فراست، اشخاص را بررسی کرده
 و بدانیم که چه کسی واقعاً درد دین داشته
 و برای احکام اسلام دل‌سوزی می‌کند؟

در سال‌های اخیر دیدیم چگونه عده‌ای
 منافق، در مقابل دین، گوساله سامری
 می‌سازند. آنها ملیت، نیاکان، تخت جمشید
 و... را زنده کرده و در برابر مقدسات، علم
 می‌کنند. به راستی آیا ما انقلاب کردیم تا
 تخت جمشید زنده شود؟ آیا حرکت امام،
 برای احیاء چهارشنبه سوری بود؟ آیا
 مردم ما برای ترویج فحشاء و منکر بین
 جوانان و آزاد شدن اختلاط دختر و پسر،
 جانفشانی کردند؟ آیا شهدای ما برای این
 که شخصیت‌هایی از مسئولان کشور، در
 مجالس عیش و عشرت شرکت کنند، جان
 خود را فدا کردند؟ آیا شرایط امروز، مانند
 شرایط واقعه کربلا نیست؟ در آن دوره، اگر
 قیام سید الشهداء (ع) صورت نمی‌گرفت،
 دیگر چیزی از اسلام باقی نمانده و تدریجاً
 بی‌دینی برای مردم عادی می‌شد.

در شرایطی که گذشت لازم نبود کسی
 بگوید «لعبت هاشم بالملک». اگر گفته شد
 «تاریخ مصرف احکام اسلام گذشته است»
 این تعبیر دیگری از «لعبت هاشم بالملک»
 است. یزید گفت: «بنی‌هاشم با سلطنت بازی
 کردند»، امروز نیز می‌گویند: «آخوندها،





در محافل خصوصی شان به ولایت فقیه جسارت کرده، ولی در ظاهر می‌گویند: «ما ولایت فقیه را قبول داریم»، اهل نفاق نیستند؟ پس آن کسانی که یک روز از وحدت دم زده، روز دیگر دم از کثرت می‌زنند و از هر طرف باد می‌وزد، به آن سو می‌چرخند، چه گروهی هستند؟

پویا: با این توضیحی که فرمودید، به نظر می‌آید هر روز که از حاکمیت نظام اسلامی می‌گذرد، اسلام بیشتر از گذشته در معرض خطرو توطئه‌های مهلک منافقین قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، با اینکه امروز اسلام حاکم است، اما نسبت به رژیم طاغوت و سال‌های پیش از انقلاب بیشتر در معرض تهدید منافقین است.

آیت الله مصباح: من از شما به عنوان یک مسلمان سؤال می‌کنم که آیا خطر آن روز برای اسلام بیشتر بود یا امروز؟ اگر امروز امام ما زنده بود و این توطئه‌ها را می‌دید، چه می‌کرد و چه می‌گفت؟ در آن روز، هیچ کس، حتی شاه، جرأت نمی‌کرد که یکی از احکام ضروری اسلام را، صریحاً انکار کند، ولی در آن شرایط امام برای اسلام احساس خطر می‌کرد. طی سال‌های گذشته همه شاهد بودیم که چگونه ضروری‌ترین احکام اسلام، در پرتیازترین روزنامه‌ها و در محافل دانشگاهی، زیر سؤال رفته و مسخره می‌شود. واقعاً در کدام دوره، خطر برای اسلام بیشتر است؟

ابتدای جریان ۱۵ خرداد از این جا شروع شد که دولت شاه، به نخست وزیر عَلم، مصوبه‌ای برای انتخابات انجمن‌های

پویا: این مشکل که می‌فرمایید، در همه اعصار وجود داشته که اکثریت عامه به سمت اشخاصی که پایبندی اساسی به اسلام نداشته و دچار یک نفاق پنهان بوده‌اند، گرایش پیدا کرده‌اند. به نظر تان اگر این نوع نفاق، به عنوان یک بیماری چه در جامعه و عوام و چه در افراد تأثیرگذار و خواص کالبدشکافی شود، برای این بیماری چه علتی را می‌توانیم ذکر کنیم؟

آیت الله مصباح: امام حسین (ع) فرمود: «مَدْعیان دینداری، فراوان هستند؛ این گروه فقط تا زمانی بر ادعای خود باقی می‌مانند که دین، به دنیایشان صدمه‌ای وارد نسازد، اما اگر امر بین دین و دنیا، دایر شود و شرایطی پیش آید که با حفظ دین، دنیا از دست برود، دینداران کم خواهند بود.»

تا زمانی که همراه حمایت از اسلام و نظام اسلامی، تمایلات نفسانی ارضاء شده و زمینه‌های عیش و نوش، فراهم است، ادعای دینداری، برای همه آسان است، اما اگر شرایطی پیش آید که لازم شود برای حفظ دین، برخی منافع اقتصادی کم شده و از هوسبازی‌ها جلوگیری شود، عده خاصی، دیندار و طرفدار نظام اسلامی باقی مانده و بعضی خواهند گفت: «ما از این نظام بخش جمهوری آن را می‌پذیریم، ولی اسلامش را نمی‌خواهیم.»

پویا: فرمایش حضرت عالی قابل قبول است، اما این فاعده‌ای که می‌فرمایید به شکلی است که پیدا کردن و معرفی مصداق‌های آن به مردم - به ویژه برای آنکه فریب منافقین را نخورند - کار دشواری است. برای شناختن این مصداق چه باید کرد؟

آیت الله مصباح: در شناخت منافق نباید فریب سخن و ظاهر او را خورد، بلکه باید عملکرد و سابقه او ملاک قرار گیرد. منافق همیشه در قول و فعلش تناقض دارد. کسانی در زمان 'وایل انقلاب' ادعای می‌کردند که جزء حزب الله هستند؛ اما پس از گذشت بیست سال، حالا می‌گویند:

«من در زمان امام هم، معتقد به ولایت فقیه نبودم». پس طرفداری تو از امام چه شد؟ در زمان ما، تبعیت از دکتر مصدق - کسی که امام درباره او فرمود: «او هم مسلم نبود» - موجب افتخار می‌شود. و یک فرد عمامه به سر، به سبب رفتن زیر پرچم دکتر مصدق، در انتخابات رأی می‌آورد. آیا این، ساختن بت در مقابل امر مقدس نیست؟ تا

چه زمانی مسلمان‌ها باید فریب منافقین را بخورند؟

اگر شما پای منبر علی (ع) بودید و سخنانی را که از ایشان، درباره نفاق نقل کردیم، از زبان خود او می‌شنیدید که «احذرکم اهل النفاق» بر حذر باشید از اهل نفاق، در آن زمان چند نفر از اهل نفاق را می‌توانستید معرفی کنید؟ اگر امروز علی، به میان شما آمده و بفرماید: «احذرکم اهل النفاق»، چند مصداق برای این سخن، سراغ دارید؟

آیا عده‌ای که دیروز می‌گفتند: «ما

● اگر امروز، احکام ۱۴۰۰ سال پیش، کاربرد نداشته و تاریخ مصرف آن گذشته است، یعنی باید - العیاذ بالله - آنها را به مزبله ریخت. مگر با داروها و مواد غذایی که تاریخ مصرف آنها گذشته است، چه می‌کنند؟

● همیشه منافقانی هستند که به نام طرفداری از اسلام، قصد ریشه کن کردن آن را دارند. روزی به نام «انقلابی»، روزی به نام «مجاهد» و روزی دیگر با اسم و عنوان دیگر.

پیرو امام هستیم» و امروز تمام ارزش‌های امام را زیر سؤال می‌برند، مصداق منافقین نیستند؟ آیا اشخاصی که دیروز بردن اسم آمریکا را، بزرگ‌ترین گناه می‌نامیدند، اما امروز سردمدار سازش با آمریکا هستند و تمام توان خود را صرف برقراری رابطه با آمریکامی‌کنند، منافق نیستند؟ آیا افرادی که



از آن برآمده و حافظ دسناوردهای این پیروزی باشند، اما متأسفانه عده‌ای خدا را فراموش کرده و قدر نعمت را ندانستند. حضرت امیر (ع) در جای دیگر، می‌فرماید: «نشهد ان محمداً عبده و رسوله خاض إلى رضوان الله كل غمرة و تجرع فيه كل غصة» پیامبر اکرم (ع) برای خشنودی خدا و عمل به اوامر الهی، در هر دریای خطرناکی وارد شد و فرو رفت، تا بتواند شما را به ساحل نجات راهنمایی کند. ایشان، هر غم و غصه‌ای را، جرعه جرعه نوشید و دم برنیاورد تا مردم گمراه را هدایت نماید و مردم، این گونه در ضلالت فرو رفته‌اند.

امام ما نیز، سال‌ها تبعید را تحمل کرد و خطرهای زیادی را به جان خرید. یاران او هم تبعید شده و شکنجه‌ها دیدند و مردم عزیز ما، فرزندان خود را، در راه اسلام اهدا کردند. آیا مرد این جانفشانی‌ها، این بود که گروهی - که به خاطر تلاش شهدا به مقامی رسیده‌اند، - تیشه به ریشه اسلام بزنند؟

حضرت علی (ع)، در ادامه می‌فرماید: «وقد تلون له الادنون و تألب علیه الاقصون» وقتی پیامبر نزدیکانش را به اسلام دعوت کرد، آنها، رنگ به رنگ شدند و نزدیک‌ترین فامیل‌های او، بدترین دشمنانش شدند. علاوه بر آن، دورترین‌ها هم تصمیم گرفتند که با حرکت پیغمبر مبارزه کنند. اسلام به این صورت به دست من و شما رسید که نزدیک‌ترین خویشاوندان پیغمبر، بدترین دشمنانش شده و دورترین‌ها هم، از گوشه و کنار جمع شده و به جنگ مسلمان‌ها آمدند.

پیامبر اکرم (ص)، با خون‌دهایی که در طول این مدت خورد و استقامت‌هایی که کرد، باعث شد تا پس از ۱۴۰۰ سال، من و شما با خدا و اسلام آشنا شویم، اما نامردهای منافق می‌گویند: «تاریخ مصرف احکام اسلام گذشته، ما قرائت جدیدی از اسلام داریم.» آیا صحیح است که انسان مؤمن، در برابر این خیانت‌ها، آرام گیرد و آنها هر چه می‌خواهند، انجام دهند؟

پویا: با تشکر از استاد.

پی‌نوشت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴.

● اگر شرایطی پیش آید که لازم شود برای حفظ دین، برخی منافع اقتصادی کم شده و از هوسبازی‌ها جلوگیری شود، عده‌خاصی، دیندار و طرفدار نظام اسلامی باقی مانده و بعضی خواهند گفت: «ما از این نظام بخش جمهوری آن را می‌پذیریم، ولی اسلامش را نمی‌خواهیم.»

ایالتی و ولایتی، پیشنهاد کرده بود. یکی از مواد آن طرح، این بود که چون تمام افرادی که انتخاب می‌شوند، مسلمان نبوده و به قرآن اعتقاد ندارند، پس بهتر است بگوییم: «هر کس، به کتاب مقدس خود قسم بخورد.» امام از همین حرکت، احساس کرد که توطئه عظیمی در کار است. آنها می‌خواهند اصالت اسلام و مذهب تشیع را در این کشور، از بین ببرند، زیرا تعریف کتاب مقدس مشخص نبود و هر گروهی، حتی مارکسیست‌ها، می‌توانستند کتاب مقدسی برای خود معرفی کرده و به آن قسم بخورند. امروز چگونه است؟ منافقان با چنان سرعتی، پیش رفتند که خود آمریکایی‌ها گفتند: «امروز، در مطبوعات ایران چیزهایی نوشته می‌شود که هیچ کس در زمان شاه جرأت نمی‌کرد بنویسد.» به برکت سیاست مسئولان مطبوعات و فرهنگ کشور در چند سال گذشته، چنین زمینه‌ای برای دشمنان اسلام فراهم شد.

پویا: به عنوان آخرین پرسش از حضرت عالی، اگر بخواهید از دو نفاق صدر اسلام و نفاق اکنون - که به قصد تخریب پایه‌های اسلام و انقلاب به وجود آمدند، و شرایط مشترکی که این دو دارند - تصویری ارائه بدهید، چه می‌فرمایید؟

آیت الله مصباح: شرایطی را که در نهج البلاغه مولی، علی (ع) درباره‌ی اوضاع مسلمانان صدر اسلام بیان شده، می‌توان با انقلاب ایران و شرایطی که بر انقلاب اسلامی گذشت، مقایسه کرد. این شرایط خیلی به هم نزدیک هستند. حضرت امیر در خطبه‌ای می‌فرمایند، ورود و خروج امور، به دست شما انقلابیون بود و خدا منزلت و عزت فراوانی را برای اسلام، به شما عطا کرده بود و اما شما، انقلاب کرده‌ها، اجازه دادید که ستمگران در این کارها دخالت کرده و کار را از دست شما برابند. علاوه بر این اختیار افسار خود را نیز، به دست آنها دادید.

آیا پس از پیروزی انقلاب، خدا چنین شرف و عزتی را به روحانیون و طرفداران امام، عطا نکرد؟ خود امام در این زمینه، می‌فرمود: در حکومت منحوس پهلوی، راننده‌ها، دو گروه را - با این که کرایه را می‌پرداختند - سوار ماشین خود نمی‌کردند! یکی فاحشه‌ها و دیگری عمامه به سرها. روحانیت در آن زمان، به این مقدار، دچار ذلت بود و پس از انقلاب این ذلت را به عزت تبدیل کرد.

لازم بود همه در مقابل چنین نعمت عظیمی، سال‌ها در صدد شکرگزاری و سپاس